

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

گوش کر

(از خاطرات گذشته)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد
سر زلفش بدست غیر دیدم
ز خاک شهر کهنه چون برآیم
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم
ز من گوئید آن کاکه جوان را
نداری پول یک پوچکه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به چوکی تا مقرر گشت مامور
که یک دم خانه ویرانه او
ندادم یک دوسه مهمانیش من
کجا قصاب از قیمت فروشی
فضای کابل از بس پر ز خاک است
به خال هندویش، جانم گرو شد
جهان در چشم من یک باره شو شد
ترا منزل، بتا در شهر نو شد
سرگیسوی تو تا چیه تو شد
کجا کرتی و دستارت گرو شد
مگر صرف قمار چکه پو شد
یکی بعد دگر افتاده خو شد
پی رشوت چنان در تگ و دو شد
مجلل خانه ای در شهر نو شد
مدیر شعبه در جانم ببو شد
ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
به چشم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز - اسد ۱۳۳۲ ش)